

تحلیل و سطح‌بندی مؤلفه‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر مناسبات کردها و عرب‌ها در عراق

مصطفی الجبوری (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

mmh490423@gmail.com

محسن جان‌پرور (استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

janparvar@um.ac.ir

روح‌الله اسلامی شعب‌چره (استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

eslami.r@um.ac.ir

چکیده

روابط میان دو گروه قومی کرد و عرب در عراق، یکی از محوری‌ترین و تأثیرگذارترین مناسبات قومی-سیاسی در ساختار ژئوپلیتیکی این کشور و حتی منطقه جنوب غرب آسیا به شمار می‌رود. این مناسبات تحت تأثیر مجموعه‌ای از مؤلفه‌های ژئوپلیتیک قرار دارد که شناخت دقیق آن‌ها می‌تواند به تحلیل عمیق‌تر تعاملات و تعارضات قومی و ارائه راهبردهایی برای مدیریت تنش‌ها و تقویت همزیستی کمک نماید. پژوهش حاضر از نوع کاربردی-توسعه‌ای است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد ترکیبی (کیفی-کمی) انجام شده است. هدف تحقیق شناسایی و سطح‌بندی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر مناسبات کردها و عرب‌ها در کشور عراق است که با استفاده از تکنیک‌هایی همچون دلفی و با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون T-test انجام شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان‌دهنده آن است که از ۳۹ مؤلفه‌ی ژئوپلیتیک مؤثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب که از نظریه‌ها و پژوهش‌ها استخراج شده است در کشور عراق ۳۷ مؤلفه مورد تأیید صاحب‌نظران و اندیشمندان است. همچنین از میان این مؤلفه‌های ۳۷ گانه، صرفاً ۱۷ مؤلفه به عنوان مهمترین مؤلفه‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق هستند که در قالب شش بعد جغرافیایی (پراکندگی فضایی گروه‌های قومی؛ ارتباط و پیوندهای فرامرزی گروه‌های قومی؛ موقعیت جغرافیایی گروه‌های قومی نسبت به مراکز قدرت و منابع حیاتی)، اجتماعی-فرهنگی (میزان هویت قومی

در برابر هویت ملی؛ حافظه تاریخی گروه‌های قومی؛ نقش زبان و مذهب در هویت قومی؛ سطح تبعیض میان گروه‌های قومی)، اقتصادی (دسترسی به منابع نفت؛ قاچاق و اقتصاد غیررسمی)، سیاسی (درجه استقلال یا خودمختاری سیاسی گروه‌های قومی؛ ساختار توزیع قدرت سیاسی؛ میزان مشارکت گروه‌های قومی در نظام حکمرانی)، امنیتی - نظامی (وجود گروه‌های مسلح قومی (پیشمرگه)؛ ارتباط گروه‌های قومی با بازیگران خارجی) و ژئواستراتژیک (نقش گروه‌های قومی در تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای؛ ارتباط بین مرزهای قومی و مرزهای سیاسی کشور؛ تأثیر رقابت قدرت‌های خارجی بر وضعیت گروه‌های قومی) می‌توان آنها را تنظیم کرد.

واژگان کلیدی: مولفه‌های ژئوپلیتیک، مناسبات قومی، گروه قومی کرد، گروه قومی عرب، عراق

۱- مقدمه

منطقه جنوب غرب آسیا در چند دهه گذشته یکی از پرچالش‌ترین عرصه‌های نظم بین‌الملل بوده و همواره با بی‌ثباتی، ناامنی، بحران و تعارض‌های مستمر مواجه بوده است. عواملی همچون ظهور و گسترش تروریسم، ایدئولوژی‌های بنیادگرایانه و تکفیری، تعمیق فقر و شکاف‌های طبقاتی، گسترش هویت‌های متکثر قومی، و افزایش دولت‌های ناکارآمد مانند یمن، سوریه و عراق، ساختار این منطقه را پیچیده‌تر کرده‌اند (دهشیری و شاهمرادی، ۱۳۹۹). در این میان، وجود قدرت‌محوری، لایه‌بندی نامتوازن قدرت، حضور ائتلاف‌های وابسته به بازیگران برون‌منطقه‌ای، و فراوانی مداخلات خارجی در کنار ضعف انسجام داخلی و آسیب‌پذیری سیستم‌های سیاسی، نظم منطقه‌ای را دچار چالش‌های امنیتی گسترده، متراکم و فزاینده کرده است (فرهادی و هدایتی، ۱۴۰۰: ۳۸). در چنین بستری، درک مناسبات ژئوپلیتیکی میان بازیگران - به‌ویژه بازیگران قومی - ضرورتی بنیادی در تحلیل روابط قدرت محسوب می‌شود. این مناسبات بسته به زمان، مکان، ماهیت بازیگر و منابع جغرافیایی قدرتی که در اختیار دارد، می‌توانند از شکل رقابت تا همکاری، از تعامل تا سلطه و از همزیستی تا منازعه متغیر باشند (ربیعی، ۱۳۸۸: ۴۰). به تعبیر حافظ‌نیا (۱۳۹۶: ۳۶۴)، الگوهای ژئوپلیتیکی تابعی از نحوه

ترکیب جغرافیا و سیاست در بستر زمان هستند؛ اما در بیشتر تحلیل‌های ژئوپلیتیکی، مفهوم «مناسبات» غالباً معادل با «رقابت» میان بازیگران فرض شده است، درحالی‌که این نوع نگاه، بسیاری از ابعاد دیگر کنش ژئوپلیتیکی را نادیده می‌گیرد.

در مقابل این دیدگاه تقلیل‌گرایانه شاید بتوان گفت، ژئوپلیتیک تنها عرصه رقابت نیست، بلکه حوزه‌ای از روابط متداخل است که می‌تواند همزمان رقابت، هم‌افزایی، همکاری، سلطه و حتی مقاومت را شامل شود (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۱۸۴-۱۸۵). به‌ویژه در فضاها، قومی، بازیگران محلی و قومی با بهره‌گیری از منابع جغرافیایی خود (اعم از موقعیت، منابع طبیعی، پراکندگی فضایی و پیوندهای فرامرزی)، استراتژی‌های ژئوپلیتیکی منحصربه‌فردی طراحی می‌کنند که فراتر از سطح دولت‌محور قابل تحلیل است. یکی از نمونه‌های بارز این وضعیت، مناسبات قومی کرد و عرب در عراق است. مقاله حاضر با هدف تحلیل و سطح‌بندی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر مناسبات دو گروه قومی کرد و عرب در عراق به انجام رسیده است و تلاش شده است با بهره‌گیری از روش ترکیبی و تحلیل‌های کمی، می‌کوشد تا از منظری بومی‌شده و مبتنی بر نظریه‌های روز، تصویری منسجم از این مناسبات پیچیده ارائه دهد و به سهم خود درک عمیق‌تری از نظم ژئوپلیتیکی عراق را فراهم آورد.

۲- مباحث نظری تحقیق

۲-۱- مفاهیم پایه

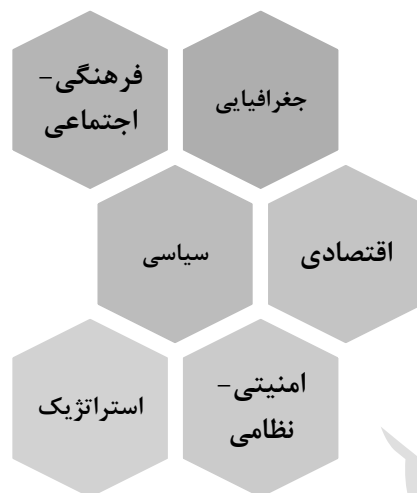
۲-۱-۱- ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک از جمله مفاهیم بحث‌برانگیز و پر ابهام است و تعاریف متفاوت و گسترده‌ای از آن صورت گرفته است اما به صورت کلی می‌توان به چند تعریف از آن اشاره کرد. ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی چون، موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی)، وسایل ارتباط جمعی و ... را در تصمیم‌گیریهایی سیاسی، بویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۹۶: ۱۲۸). ژئوپلیتیک علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنشهای ناشی از

ترکیب آنها با یکدیگر است (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۳۷). به بیانی دیگر میتوان گفت ژئوپلیتیک دانش شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت در مناسبات محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۲۸). با توجه به مباحث مطرح شده در تحقیق حاضر، برداشت آخر به عنوان مبنا مد نظر قرار گرفته شده است.

۲-۱-۲- مولفه‌ی ژئوپلیتیکی

ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی به لحاظ ساختاری یا کارکردی ماهیتی دوگانه دارند. بدین معنی که یک عامل جغرافیایی برای یک گروه یا فرد انسانی ممکن است مثبت تلقی شود درحالی‌که همان عامل برای گروه یا فرد دیگر دارای ارزش منفی انگاشته می‌شود. هویت ساختی و کارکردی عوامل دارای ارزش ثابت و پایداری نیستند. بدین معنا که یک عامل در بستر زمان ممکن است دچار تحول ارزشی شود و یا در دیدگاه گروه‌های انسانی متفاوت ارزش‌های متفاوتی داشته باشد. ارزش‌ها و عوامل ژئوپلیتیکی فرصت‌های هستند که مطلوب بازیگران سیاسی اعم از فردی یا گروهی (بدون واسطه یا نیابتی) واقع می‌شود زیرا اولاً آنها می‌توانند تولیدکننده قدرت باشند و ثانیاً کاربرد آنها می‌تواند به سلب قدرت رقبا منجر شود ثالثاً تأمین‌کننده نیازهای حیاتی و منافع جمعی و فردی هستند (حافظنیا، ۱۳۹۶: ۱۵۶-۱۵۵). در بیانی دیگر می‌توان گفت مؤلفه ژئوپلیتیک عبارت است از منابع جغرافیایی قدرت با حداقل ارزش مقیاس ملی و فراتر که از سوی بازیگران در مناسبات فرو ملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به بیانی دیگر، زمانی که منابع جغرافیایی قدرت با ارزش مقیاس ملی و فراملی از سوی بازیگران در مناسبات فرو ملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد استفاده قرار بگیرند، مؤلفه (عامل) ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد (جان‌پرور، ۱۳۹۶: ۱۲۵). باید توجه داشت که مولفه‌های ژئوپلیتیک به صورت‌های مختلف تقسیم‌بندی شده اند اما می‌توان مولفه‌های ژئوپلیتیک را جهت درک بهتر در قالب شش بعد به صورت شکل ذیل تقسیم‌بندی کرد.



شکل ۱: تقسیم بندی مولفه های ژئوپلیتیک

۲-۲- مولفه های پایه موثر بر مناسبات ژئوپلیتیک کشورها

نگاهی دقیق به کشورها جهان نشان دهنده آن است که این کشورها به صورت گسترده از گروه های متعدد و متنوعی تشکیل شده اند و مناسبات گروه های قومی و مذهبی در میان آنها در شکل ها و انواع مختلفی برقرار است. قاعدتاً درک این روابط به ویژه مناسبات ژئوپلیتیک حاکم بر مناسبات این گروه های قومی متکثر در برخی از کشورها می تواند به صورت های مختلف زمینه شکل دهی به نظام های پایدارتر و افزایش صلح و همکاری کمک کند. برای درک این مناسبات ژئوپلیتیک بین کشورهایی که دارای شرایط خاصی از نظر قومی- مذهبی هستند ضرورتاً باید از نظریه ها و دیدگاه های مختلف بهره برد. بر این مبنا، در تحقیق حاضر بررسی حاصل از نظریه ها و دیدگاه هایی که در زمینه ژئوپلیتیک، جامعه شناسی و مطالعات قومی، بین گروه های قومی حاضر در درون کشورها، نشان دهنده آن است که دیدگاه کاملی در این زمینه وجود ندارد و برای دستیابی به مولفه هایی موثر بر مناسبات ژئوپلیتیک بین گروه های حاضر در درون کشورها از نظریه ها و دیدگاه های مختلف بهره برداری شود. بررسی های صورت گرفته نشان دهنده آن است که ۳۹ مولفه میتواند در این زمینه مطرح

باشد که برای درک بهتر و متناسب با پایه اصلی شکل دهنده در قالب ۶ بعد در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱: مولفه های موثر بر مناسبات ژئوپلیتیک گروه های قومی درون کشورها

نظریه ها و دیدگاه ها	ابعاد	منابع جغرافیایی قدرت
نظریه وابستگی متقابل (نوروزی فرد و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۴) نظریه میدان های اجتماعی وردیو (Hilgers and Mangez, 2015) نظریه امنیت انسانی (سیفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۴) نظریه های هویت محور (Smith, 1991: 15-20 Dodge, 2005) نظریه حکمرانی چندسطحی ژئوپلیتیکی (Marks & Hooghe, 2003) نظریه سیستم های پیچیده (وکیلی، ۱۳۹۰: ۲۸-۳۱)	۱ جغرافیایی	پراکندگی فضایی گروه های قومی در داخل کشور (نحوه توزیع جمعیتی و جغرافیایی گروه های قومی در سطح کشور)؛ ارتباط و پیوندهای فرامرزی گروه های قومی (وابستگی های قومی به گروه های مشابه در کشورهای همسایه و تأثیر آن بر سیاست داخلی و خارجی)؛ موقعیت جغرافیایی گروه های قومی نسبت به مراکز قدرت و منابع حیاتی (نزدیکی یا دوری گروه های قومی به پایتخت، مراکز اقتصادی و منابع طبیعی مهم)؛ دسترسی جغرافیایی گروه های قومی به مرزهای بین المللی و مسیرهای تجاری (امکان ارتباط و تجارت با خارج از کشور و تأثیر آن بر نقش ژئوپلیتیکی گروه های قومی)؛ پیوندهای تاریخی و سرزمینی گروه های قومی با مناطق تحت سکونت خود (ادعاهای تاریخی و فرهنگی گروه های قومی نسبت به مناطق خاص)؛ نقش زیرساخت های ارتباطی (حمل و نقل، اینترنت، شبکه های ارتباطی) در انسجام یا تجزیه قومی (تأثیر توسعه یا نبود زیرساخت ها بر یکپارچگی یا جدایی طلبی قومی)؛ تأثیر مهاجرت و جابه جایی های جمعیتی بر تعادل قومی (نقش مهاجرت داخلی و بین المللی در تغییر ترکیب قومی مناطق مختلف)؛ اثر تغییرات اقلیمی بر پویایی های جمعیتی و سرزمینی گروه های قومی (نقش بحران های محیطی مانند خشکسالی و سیل در تغییرات مکانی گروه های قومی)
	۲ اجتماعی- فرهنگی	میزان هویت قومی در برابر هویت ملی (اولویت و شدت وابستگی گروه های قومی به هویت قومی یا ملی)؛ نقش زبان و مذهب در هویت قومی (جایگاه زبان و دین در تقویت یا تضعیف هویت قومی)؛ درجه انسجام یا واگرایی فرهنگی میان گروه های قومی (وجود ارزش ها و باورهای مشترک یا متضاد میان اقوام مختلف)؛ سطح تبعیض یا همزیستی اجتماعی میان گروه های قومی (میزان تعامل مثبت یا تبعیض های اجتماعی میان گروه های قومی)؛ حافظه تاریخی گروه های قومی از روابط خود با دولت و سایر اقوام (وجود خاطرات جمعی از تعارض یا همکاری با حکومت و سایر گروه های قومی)؛ تأثیر رسانه ها و شبکه های اجتماعی در هویت یابی قومی (نقش رسانه های ملی و بین المللی در تقویت یا

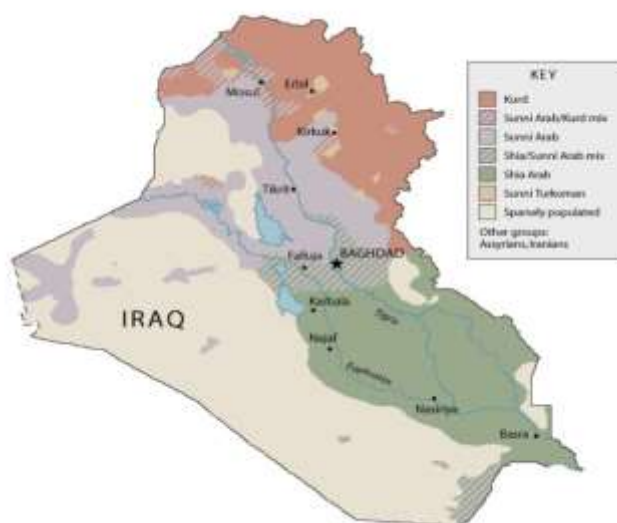
نظریه هارتلند (عزتی، ۱۳۹۵: ۱۰)	تضعیف هویت قومی؛ چندگانگی مذهبی در میان کردها و عربها (شعیان، اهل سنت، ایزدی، اهل حق و ...)		
نظریه ریملند (حافظنیا، ۱۳۸۲: ۱۴)	دسترسی گروه‌های قومی به منابع اقتصادی کشور (امکانات اقتصادی مانند زمین، نفت، معادن و زیرساخت‌های تجاری)؛ میزان مشارکت اقتصادی گروه‌های قومی در بازار ملی (حضور و سهم آن‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور)؛ تفاوت‌های توسعه‌ای و فقر میان مناطق قومی و مناطق مرکزی کشور (تفاوت در سطح توسعه اقتصادی میان مناطق قومی و غیرقومی)؛ نقش قاچاق و اقتصاد غیررسمی در پایداری اقتصادی گروه‌های قومی مرزنشین (وابستگی برخی گروه‌های قومی به اقتصاد غیررسمی و تأثیر آن بر روابط داخلی و خارجی)؛ سرمایه‌گذاری دولت در مناطق قومی و تأثیر آن بر توسعه و همگرایی (نحوه سرمایه‌گذاری در مناطق قومی و نقش آن در کاهش نارضایتی)؛ مهاجرت اقتصادی و اثر آن بر پویایی قومی در مناطق مختلف کشور (نقش فرصت‌های شغلی در تغییر ترکیب قومی مناطق)	اقتصادی	۳
نظریه همزیستی قومی (Bar-Tal, 2008)	میزان مشارکت گروه‌های قومی در نظام حکمرانی کشور (سطح حضور و تأثیرگذاری در نهادهای دولتی و تصمیم‌گیری‌های کلان)؛ ساختار توزیع قدرت سیاسی در میان گروه‌های قومی (تمرکز یا عدم تمرکز قدرت در میان گروه‌های قومی مختلف)؛ سیاست‌های دولتی در قبال گروه‌های قومی (سیاست‌های همگرایی، تبعیض‌آمیز، یا سرکوب‌گرانه نسبت به گروه‌های قومی)؛ نقش گروه‌های قومی در ائتلاف‌های سیاسی داخلی (همکاری یا رقابت گروه‌های قومی در چارچوب احزاب و جریان‌های سیاسی)؛ میزان پذیرش هویت چندقومیتی در نظام سیاسی کشور (پذیرش یا رد تنوع قومی در گفتمان رسمی و ساختار حکومتی)؛ درجه استقلال یا خودمختاری سیاسی گروه‌های قومی در چارچوب کشور (وجود یا نبود ساختارهای حکومتی محلی برای اقوام)	سیاسی	۴
نظریه سرزمین و حاکمیت ژئوپلیتیکی (Kaplan, 2012)	میزان تهدیدات امنیتی ناشی از نارضایتی‌های قومی (احتمال بروز درگیری‌های قومی و شورش‌های داخلی)؛ حضور نیروهای نظامی و امنیتی در مناطق قومی (نحوه کنترل دولت بر مناطق قومی از طریق نیروهای امنیتی و نظامی)؛ ارتباط گروه‌های قومی با بازیگران خارجی (دولت‌ها، گروه‌های مسلح، سازمان‌های بین‌المللی) (نقش و تأثیر حمایت خارجی از برخی گروه‌های قومی)؛ وجود گروه‌های مسلح قومی و تأثیر آن بر ثبات داخلی (فعالیت نیروهای شبه‌نظامی و تأثیر آن‌ها بر نظم داخلی)؛ نقش رقابت قومی در شکل‌دهی به سیاست‌های امنیتی کشور (تأثیر تعارضات قومی بر استراتژی‌های دفاعی و امنیتی دولت)؛ تأثیر کنترل مرزها بر امنیت و پویایی قومی (نقش سیاست‌های مرزی در تعامل یا تقابل گروه‌های قومی)	امنیتی - نظامی	۵
نظریه والرش‌تاین (ودیع و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۹)	نقش موقعیت استراتژیک گروه‌های قومی در رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (تأثیر موقعیت جغرافیایی گروه‌های قومی بر مناسبات ژئوپلیتیکی کشور)؛ میزان تعامل یا تقابل گروه‌های قومی با سیاست‌های ژئوپلیتیکی کشور (هماهنگی یا تضاد منافع قومی با اهداف کلان ژئوپلیتیکی کشور)؛ تأثیر رقابت قدرت‌های خارجی بر وضعیت گروه‌های قومی (نحوه بهره‌برداری کشورهای خارجی از مسائل قومی برای نفوذ در کشور)؛ ارتباط بین مرزهای قومی و مرزهای سیاسی کشور (تطابق یا ناهماهنگی مرزهای قومی با مرزهای جغرافیایی کشور)؛ نقش گروه‌های قومی در تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای	ژئوپلیتیک	۶

	(چگونگی تأثیرگذاری اقوام بر تحولات منطقه‌ای، مانند نمونه کردها در خاورمیانه؛ تأثیر نظریه‌های ژئوپلیتیکی کلاسیک (هارتلند، ریملند) بر وضعیت گروه‌های قومی (چگونگی قرارگیری مناطق قومی در چارچوب استراتژی‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های جهانی)	
--	---	--

۲-۳- محیط‌شناسی تحقیق

کشور عراق در جنوب غربی آسیا در منطقه جنوب غرب آسیا واقع گردیده است (محمدی، ۱۳۷۹: ۳۲). این کشور از نظر وسعت و پهناوری رتبه پنجاهم را در میان کشورهای جهان را دارد و در میان همسایگان پیرامونی خود از نظر وسعت بعد از کشورهای عربستان سعودی، ایران، ترکیه در جایگاه چهارم قرار دارد (نامی و محمدپور، ۱۳۸۹: ۵). وسعت کشور عراق ۴۳۷۰۷۲ کیلومتر مربع (مساحت آبی ۴۹۱۰ کیلومتر مربع و مساحت خشکی ۴۳۲۱۶۲ کیلومتر مربع) در کنار شمال غربی خلیج فارس بین ۲۹ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمالی و ۳۹ درجه و ۱۳ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این کشور از شمال به ترکیه، از شرق به جمهوری اسلامی ایران، از جنوب شرق به خلیج فارس، از جنوب به کویت و عربستان سعودی و از غرب به اردن و سوریه محدود می‌گردد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۳: ۳). در کشور عراق متناسب با مسائل و مشکلات ناشی از جنگ و از سوی دیگر نگرش‌های سوگیرانه در گذشته آمارگیری دقیق و کاملی از نظر جمعیتی به صورت دقیق وجود ندارد. اما در سال ۲۰۲۴ بعد از ۳۰ سال وقفه در کشور عراق در تاریخ‌های ۲۰ تا ۲۲ نوامبر ۲۰۲۴ در سراسر کشور سرشماری انجام شد، نخستین سرشماری ملی عراق در بیش از ۳۰ سال گذشته بود. در این سرشماری جمعیت کشور عراق ۴۶۱۱۸۷۱۳ نفر برآورد شده است که از این تعداد ۶ میلیون و ۳۷۰ هزار نفر در منطقه کردستان عراق ثبت شدند (Pukmedia, 2025). با توجه به شرایط پیچیده در کشور عراق و عدم آمارگیری دقیق در زمینه قومیت‌های حاضر در این کشور نیز آمار دقیقی وجود ندارد اما به صورت کلی در این زمینه به این صورت است حدود ۷۶ درصد جمعیت کشور عراق از نژاد عرب بوده و حدود ۱۹ درصد نیز کرد می‌باشند. باقیمانده نژاد از ترکمن‌ها، آشوری‌ها و ارمنی‌ها محسوب می‌شوند. اسلام دین رسمی کشور عراق است. ۹۵ درصد مردم این کشور مسلمان و پیرو دین اسلام هستند که به دو مذهب

شیعه و سنی تفکیک شده است. آمار شیعیان را تا حدود ۶۵ درصد برآورده کرده‌اند و ۳۰ درصد نیز به سنی‌های عرب و کردها اختصاص دارد. ۵ درصد باقی مانده را هم ادیان مختلف، از جمله مسیحی، آشوری، کلدانی و ... تشکیل داده‌اند (طحانمنش و قدیری، ۱۳۹۱: ۱۷۸-۱۷۷). پراکندگی گروه‌های قومی در کشور عراق در قالب نقشه ذیل است.



شکل ۲: توزیع فضایی گروه‌های قومی در کشور عراق
IraqYar, 2025

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی-توسعه ای است که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. تحقیق حاضر در پی پاسخ‌دهی به این سوال است که مهمترین مولفه‌هایی ژئوپلیتیک موثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق کدام‌ها هستند؟ برای پاسخ‌دهی به این سوال تلاش شده است که ضمن تصویرسازی درست از مولفه‌های ژئوپلیتیک موثر بر مناسبات ژئوپلیتیک درون کشور

عراق، مهمترین این مولفه‌ها مشخص شود. داده‌های مورد نیاز از طریق روش کتابخانه‌ای با استفاده از کتاب‌ها، پژوهش‌ها، مقالات و منابع اینترنتی و همچنین یافته میدانی از طریق پرسشنامه بسته جمع‌آوری شده است. جامعه آماری در تحقیق حاضر شامل صاحب‌نظران دانشگاهی و متخصصین در حوزه ژئوپلیتیک و ژئوپلیتیک عراق بوده‌اند. با توجه به محدود بودن جامعه هدف و ناشناخته بودن آن از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. پس از انجام مراحل نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده‌ها، به یک اجماع نظر از سوی ۵۶ نفر از صاحب‌نظران دانشگاهی و متخصصین در این حوزه دست یافتیم. این تعداد نمونه به‌طور کامل قادر به پوشش تنوع دیدگاه‌ها و ارائه تحلیل‌های مفید بوده است. ادامه نمونه‌گیری بعد از این مرحله به دلیل تکراری شدن اطلاعات و هم‌راستا شدن پاسخ‌ها، دیگر ضرورتی نداشت و نمونه‌ها برای تحقیق حاضر کافی به نظر می‌رسید. روایی پرسشنامه حاضر از طریق اساتید راهنما و مشاوران مورد تأیید قرار گرفته است و پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است که نتیجه آن ۰٫۹۱۷ بوده که نشان دهنده پایایی بالای پرسشنامه است. در این تحقیق با توجه به نوع سوالات و فرضیات و ماهیت رتبه‌بندی پرسشنامه‌ای تحقیق و همچنین پارامتریک بودن یافته‌های کمی آن از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

۱-۴- یافته‌های کتابخانه‌ای

۱-۴-۱- مولفه‌های بعد جغرافیایی موثر بر مناسبات قومی در کشور عراق (کردها و عرب‌ها)
یکی از ابعاد بنیادین در تحلیل مناسبات قومی در عراق، توزیع فضایی گروه‌های قومی کرد و عرب است که نقش محوری در شکل‌دهی به رقابت‌ها و تنش‌های ژئوپلیتیکی ایفا می‌کند. از مهم‌ترین قانون‌های این تعارضات، منطقه کرکوک است که هم از حیث منابع نفتی و هم به لحاظ ترکیب قومی، یکی از مناقشه‌برانگیزترین استان‌های عراق محسوب می‌شود. ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق، راه‌حل همه‌پرسی را برای حل اختلاف در این منطقه پیشنهاد داده، اما به‌رغم گذشت سال‌ها، این ماده اجرایی نشده است و وضعیت کرکوک همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است (مرادی، ۱۳۹۷).

نزاع قومی بر سر کرکوک، نه فقط نزاعی سرزمینی، بلکه رقابتی ژئوپلیتیکی بر سر منابع انرژی نیز هست. از سوی دیگر، پیوندهای فرامرزی دومین مؤلفه مهم در درک مناسبات ژئوپلیتیکی قومیت‌ها در عراق است. کردها تا حدی توانسته‌اند با بهره‌گیری از هویت مشترک قومی با کردهای ایران، ترکیه و سوریه، شبکه‌ای فراملی از ارتباطات ژئوپلیتیکی ایجاد کنند (Romano, 2006; Barkey & Fuller, 1998). در مقابل، اعراب نیز این پیوندها را با فراسوی مرزها برای خود شکل داده‌اند. این پیوندها در مواقع بحرانی، به‌جای انسجام، عامل تشدید واگرایی و تضعیف حاکمیت ملی عراق شده‌اند. از منظر موقعیت جغرافیایی نسبت به منابع و مراکز قدرت، کردستان عراق با در اختیار داشتن بخش قابل توجهی از منابع نفتی به‌ویژه در کرکوک، و قرار گرفتن در تقاطع ژئوپلیتیکی منطقه‌ای، وزن ژئوپلیتیکی بالایی کسب کرده است. این منطقه در محل تلاقی تمدن‌ها و فلات‌های مهم (ایران، قفقاز، شبه‌جزیره عربستان) و در مسیر کریدورهای ترانزیتی منطقه قرار دارد (محمدی و خالدی، ۱۳۹۰). در مقابل، اعراب عراق نیز با در اختیار داشتن دولت مرکزی و پشتوانه جهان عرب، وزنه تعادل را در این رقابت قومی-ژئوپلیتیکی حفظ کرده‌اند.

در مجموع، درهم‌تنیدگی سرزمین، قومیت و سیاست در عراق، بافت ژئوپلیتیکی شکننده‌ای را پدید آورده که نه تنها از درون دچار شکاف‌های قومی، مذهبی و زبانی است، بلکه زمینه مداخلات بازیگران خارجی را نیز فراهم کرده است. این شرایط، احتمال گذار به ثبات بلندمدت در مناسبات کردها و عرب‌ها را کاهش داده و تنش را به یک وضعیت ساختاری تبدیل کرده است.

۴-۱-۲- مولفه‌های بعد اجتماعی-فرهنگی موثر بر مناسبات قومی در کشور عراق (کردها و عرب‌ها)

در عراق، هویت قومی به‌جای آنکه مکملی برای هویت ملی باشد، به‌طور مداوم در جایگاه رقیب و گاه تهدیدی برای آن ظاهر شده است. این وضعیت ریشه در واقعیت‌هایی چون ساختگی بودن مرزهای عراق (پورسعید، ۱۳۸۹: ۱۹۰)، ضعف نهاد دولت-ملت، و شکاف‌های قومی و مذهبی تاریخی دارد (اسلامی و شمس‌آبادی، ۱۳۹۷: ۶۴). مواد ۳ و ۴ قانون اساسی عراق پس از ۲۰۰۳ نیز با رسمی کردن تنوع زبانی و قومی، زمینه تشدید رقابت‌های هویتی را فراهم کردند (ابراهیمی، ۱۳۸۹).

۱۳۰). کردها با برخورداری از زبان خاص (احمدی، ۱۳۷۹: ۸۱) و قلمرو منسجم جغرافیایی، توانسته‌اند پروژه هویت قومی را سیاسی‌سازی کنند (Romano, 2014). اما در درون خود نیز دچار چندپارگی حزبی بوده‌اند (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴)؛ اختلافاتی که مانع جبهه متحد در برابر بغداد شده است (زیباکلام و طهماسبی، ۱۳۹۵: ۸۳). حافظه تاریخی منفی از سرکوب‌های شدید مانند عملیات انفال (عباس تبار و محمدحسین‌پور، ۱۳۹۵: ۹۰) و کوچ اجباری سال ۱۹۹۱ (Amnesty International, 1995) باعث شکل‌گیری نوعی بی‌اعتمادی پایدار میان کردها و دولت مرکزی شده است (عبدی و شیرزاد، ۱۳۹۵: ۶۸). این حافظه تاریخی با تأکید بر تفاوت‌های زبانی، مذهبی و فرهنگی کردها نسبت به عرب‌ها، مناسبات میان دو قوم را به‌طور بنیادین متأثر ساخته است (نصری و رضایی، ۱۳۹۸: ۱۷۴). زبان و دین نیز به‌عنوان دو عنصر کلیدی هویت‌ساز، همبستگی ملی را تضعیف کرده‌اند. عربی، کردی و ترکمنی، سه پایه اصلی زبانی هستند که اغلب در تقابل سیاسی و آموزشی قرار دارند (هاگت، ۱۳۸۳: ۱۸). همچنین، شکاف‌های دینی میان شیعه، سنی و سایر اقلیت‌ها موجب تعمیق گسل‌های سیاسی شده است. از دیگر عوامل تنش‌زا، می‌توان به اختلاف بر سر منابع نفتی و مرزهای اقلیم کردستان اشاره کرد. کنترل کردها بر مناطقی فراتر از سه استان اربیل، دهوک و سلیمانیه، و مطالباتشان برای الحاق مناطق کردنشین مانند کرکوک و موصل به اقلیم، از موضوعات مناقشه‌برانگیز اصلی میان اربیل و بغداد هستند (بدیعی ازنده‌ای و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴۸). در نهایت، ساختار اجتماعی-فرهنگی عراق به‌شدت ناهمگون است و ترکیب پیچیده‌ای از قومیت، مذهب، زبان و حافظه تاریخی را در خود جای داده است. در چنین وضعیتی، تعادل هویتی در عراق همواره شکننده و وابسته به تحولات داخلی و منطقه‌ای باقی می‌ماند (نساج، ۱۳۸۸؛ بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۳).

۴-۱-۳- مولفه‌های بعد اقتصادی مؤثر بر مناسبات قومی در کشور عراق (کردها و عرب‌ها)

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر مناسبات بین کردها و عرب‌ها در عراق، مسئله دسترسی به منابع اقتصادی به‌ویژه نفت، گاز و مسیرهای ارتباطی است. عراق با تکیه بر منابع عظیم نفت و گاز، به اقتصادی نفت‌محور تبدیل شده است که بیش از ۹۰ درصد از درآمدهای دولت و ۸۰ درصد از

صادرات کشور را شامل می‌شود (اصغرزاده، ۱۳۹۳: ۱۸). در چنین ساختاری، ثروت نفتی به‌مثابه متغیری ثابت، نقش تعیین‌کننده‌ای در مناسبات سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کند (نیک‌فر و ماهیدشتی، ۱۳۹۴: ۱۷۶). کردستان عراق با برخورداری از میادین نفتی مهم مانند کرکوک، اربیل و سلیمانیه، موفق به ایجاد اقتصادی نیمه‌مستقل شده و حتی از مسیر ترکیه اقدام به صادرات نفت کرده است (Gunter, 2011). این اقدامات موجب تنش با دولت مرکزی شده، چرا که بغداد آن را نقض اصل تمرکز منابع می‌داند. در مقابل، مناطق عرب‌نشین جنوب عراق اگرچه به منابع نفتی بیشتری دسترسی دارند، اما ضعف زیرساخت، فساد و شکاف‌های مذهبی مانع بهره‌برداری مؤثر شده است. مناطق سنی‌نشین نیز از منابع طبیعی محروم بوده و همین مسئله به نارضایتی‌های قومی-سیاسی دامن زده است (International Crisis Group, 2018). منطقه نفت‌خیز و مورد منازعه کرکوک با ترکیب جمعیتی متنوع، کانون اصلی اصطکاک قومیتی و مناقشه بر سر منابع نفتی است (Natali, 2010). حقیقتاً، از منظر ارتباطی نیز، کردستان عراق به‌دلیل قرارگیری در مسیر تاریخی جاده‌های تجاری از دوره هخامنشیان تا امروز، نقشی کلیدی در پیوند عراق با ترکیه و اروپا ایفا می‌کند (فرجی‌راد و قربانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۲). در کنار منابع رسمی، اقتصاد غیررسمی نیز در پایداری اقتصادی کردها و در شکل‌دهی مناسبات آن‌ها با عرب‌ها نقش مهمی داشته است. اقلیم کردستان با تکیه بر درآمدهای نفتی و تجارت غیررسمی با ترکیه، توانسته استقلال اقتصادی نسبی کسب کند (Stansfield, 2013). این وضعیت، به تقابل با دولت مرکزی، به‌ویژه در پس‌زمینه حقوقی قانون اساسی عراق و تفسیرهای متفاوت از مواد ۱۱۲ و ۱۱۵، دامن زده است (Natali, 2010). اقتصاد غیررسمی، در عین تقویت خودمختاری کردها، به بی‌اعتمادی با بغداد، افزایش فساد داخلی و حتی نارضایتی‌های اجتماعی منجر شده است (Human Rights Watch, 2020). همچنین در برخی مناطق مرزی مانند کرکوک و موصل، همکاری‌های اقتصادی غیررسمی میان کردها و عرب‌ها می‌تواند به کاهش تنش‌های قومی منجر شود، گرچه رقابت بر سر مسیرهای قاچاق نیز گاه زمینه‌ساز درگیری می‌گردد (Knights & Bauer, 2019). در مجموع، دسترسی به منابع اقتصادی، چه رسمی و چه غیررسمی، نه‌تنها یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری ائتلاف‌ها و تقابل‌های ژئوپلیتیکی میان کردها

و عرب‌های عراق است، بلکه بر ساختار قدرت، فدرالیسم، و آینده هم‌زیستی قومی در این کشور اثرگذار بوده است.

۴-۱-۴- مولفه‌های بعد سیاسی موثر بر مناسبات قومی در کشور عراق (کردها و عرب‌ها)

در عراق، درجه خودمختاری سیاسی اقوام یکی از مؤلفه‌های بنیادین در شکل‌گیری مناسبات قومی است. مفهوم "حق تعیین سرنوشت"، که در اسناد بین‌المللی چون منشور ملل متحد و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر ذکر شده، مبنای خواسته‌های اقلیم کردستان برای خودگردانی بوده است (امیدی، ۱۳۸۷). کردهای عراق، به‌ویژه پس از ۱۹۹۱ و سقوط صدام در ۲۰۰۳، توانستند ساختارهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی خود را تثبیت کرده و عملاً به یک واحد سیاسی نیمه‌مستقل در قالب فدرالیسم عراق تبدیل شوند (McDowall, 2004; Stansfield, 2013). هرچند این خودمختاری برای کردها تجلی حق تعیین سرنوشت است، نخبگان عرب در بغداد آن را تهدیدی برای وحدت ملی تلقی می‌کنند، به‌ویژه پس از همه‌پرسی استقلال ۲۰۱۷ (Gunter, 2011; Natali, 2010). از منظر ساختار توزیع قدرت سیاسی، نظام فدرالی عراق که برآمده از کشمکش‌های سرزمینی و قیام‌های کردهاست، فرصت‌هایی برای مشارکت آنان در حکومت فراهم کرده است. با این حال، اقدامات حکومت مرکزی مانند عربی‌سازی مناطق کردنشین (کرکوک، خانقین...) و تبعیدهای گسترده، شکاف‌های هویتی را تشدید کرده است (محمدی، ۱۳۹۰؛ یلدیز، ۱۳۹۱). پس از ۲۰۰۳، کردها از طریق مشارکت در دولت و مناصب کلیدی مانند ریاست‌جمهوری (جلال طالبانی) و وزارت خارجه، نقش خود را گسترش دادند، اما همچنان حساسیت‌های شدیدی نسبت به سهم‌خواهی آنان در دولت مرکزی باقی است (بدیعی ازندهی، ۱۳۹۶). در زمینه میزان مشارکت در حکمرانی، سهم کردها از طریق ساختار سهمیه‌ای رسمی در عراق به رسمیت شناخته شده، اما تأثیرگذاری واقعی آن‌ها به دلیل تضاد منافع داخلی و رقابت با دولت مرکزی محدود است. کردها به واسطه احزاب KDP و PUK در سطح حکمرانی نقش ایفا کرده‌اند، ولی عدم وحدت داخلی، وزن ژئوپلیتیکی آن‌ها را کاهش داده است (Anderson & Stansfield, 2009). از سوی دیگر، تنش میان اعراب اهل سنت و کردها، به‌ویژه بر سر مناطق مورد مناقشه همچون کرکوک، موجب افزایش منازعات قومی شده است.

(Natali, 2010). در مجموع باید گفت، ساختار سیاسی عراق با وجود تلاش برای مشارکت اقوام از طریق فدرالیسم، به دلیل نابرابری در توزیع واقعی قدرت، منازعات ارضی و شکاف‌های تاریخی، صحنه‌ای پرتنش از مناسبات ژئوپلیتیکی میان کردها و عرب‌هاست. این وضعیت، بدون چارچوب توافق‌پذیر و شفاف برای هم‌زیستی قومی، به بازتولید تعارضات منجر خواهد شد.

۴-۱-۵- مولفه‌های بعد دفاعی- امنیتی موثر بر مناسبات قومی در کشور عراق (کردها و عرب‌ها)

پیشمرگه‌ها به عنوان نیروی نظامی اقلیم کردستان، پس از سقوط صدام در ۲۰۰۳، به بازیگری مهم در صحنه سیاسی-امنیتی عراق تبدیل شدند (نصری و رضایی، ۱۳۹۸: ۱۷۶). ساختار این نیروها به دو حزب اصلی کرد، یعنی دموکرات (پ.د.ک) و اتحاد میهنی (ی.ن.ک) وابسته است و ماهیتی حزبی دارند (معروفی سیاوان، ۱۳۹۶: ۱۱۱). آنها در قانون اساسی ۲۰۰۵ رسمیت یافتند و در مقابله با داعش (۲۰۱۴-۲۰۱۷) نقش کلیدی داشتند؛ که موجب افزایش اعتبار بین‌المللی اقلیم شد، اما حساسیت اعراب را نیز برانگیخت (المسبار، ۲۰۱۹: ۵۳). کنترل مناطقی چون کرکوک، به‌ویژه پس از عقب‌نشینی ارتش عراق در برابر داعش، موجب افزایش تنش قومی بر سر منابع و قلمرو شد (سبحانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۷). پیشمرگه‌ها به‌عنوان نماد هویت‌طلبی کردی، با تقویت خودمختاری اقلیم، شکاف‌های هویتی میان کردها و اعراب را تعمیق کردند (حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۴۵). قانون اساسی جدید، اقلیم را منطقه‌ای فدرال دانست، اما این خودمختاری از دید بسیاری از اعراب، گامی به‌سوی تجزیه تلقی شد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۵). کردهای عراق روابط استراتژیک امنیتی با آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای غربی برقرار کرده‌اند که باعث شکل‌گیری برداشت‌هایی از نفوذ قدرت‌های خارجی در عراق از طریق نیروهای کرد شده است (زیباکلام و طهماسبی، ۱۳۹۵: ۷۵-۷۷). از جمله همکاری‌های اطلاعاتی، آموزش نظامی، و ارسال تسلیحات سنگین به نیروهای کرد در دوره مبارزه با داعش (سبحانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۵). مقابله میان پیشمرگه‌ها و گروه‌هایی مانند حشدالشعبی که تحت حمایت ایران هستند، به‌عنوان رقابت قدرتی فرقه‌ای در عراق تفسیر می‌شود (المسبار، ۲۰۱۹: ۶۱). این رقابت موجب ناهمگرایی بیشتر در ساختار امنیتی عراق شده است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۳). روابط کردها با اسرائیل بر پایه نظریه «اتحاد پیرامونی» بن‌گوریون، و حمایت

نظامی-مالی اسرائیل از کردها، به ویژه در دهه‌های گذشته، یکی از عوامل حساسیت‌زا در مناسبات کردها و اعراب بوده است (زیباکلام و طهماسبی، ۱۳۹۵: ۷۷-۷۵). همچنین، سیاست‌های ترکیه و عربستان در قبال اقلیم کردستان، بخشی از بازی ژئوپلیتیکی بزرگ‌تری است که مناسبات داخلی عراق را به شدت متأثر کرده است (عبدی و شیرزاد، ۱۳۹۵: ۸۰-۸۱).

در مجموع باید گفت، نقش پیشمرگه‌ها در تحولات عراق، از مبارزه با داعش تا کنترل مناطق مورد مناقشه، از سویی به تقویت جایگاه اقلیم کردستان منجر شده و از سوی دیگر، شکاف‌های قومی-فرقه‌ای را تشدید کرده است. همچنین، ارتباط گسترده این نیروها با بازیگران خارجی، باعث شکل‌گیری نوعی موازنه امنیتی شکننده در عراق شده که بر مناسبات کردها و اعراب تأثیر عمیق گذاشته است.

۴-۱-۶- مولفه‌های بعد استراتژیک موثر بر مناسبات قومی در کشور عراق (کردها و عرب‌ها)

نقش گروه‌های قومی، به ویژه کردها و اعراب، در تحولات ژئوپلیتیکی عراق پس از سقوط رژیم بعث و ظهور بحران‌هایی چون حملات داعش تأثیرات عمیقی بر مناسبات این گروه‌ها داشته است. این تحولات با تقویت هویت قومی کردها، تغییرات سرزمینی و تعامل با بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی همراه بوده و به پیچیدگی‌های سیاسی و قومی در عراق افزوده است. سقوط رژیم بعث و نقش کردها در بازسازی سیاسی: پس از سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳، کردها فرصت یافتند تا جایگاه سیاسی خود را در عراق تقویت کنند. با مشارکت در تدوین قانون اساسی ۲۰۰۵، کردها خودمختاری اقلیم کردستان را تثبیت کرده که این امر به تنش‌هایی با دولت مرکزی و اعراب، به ویژه شیعیان، انجامید (حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۸۵؛ زیباکلام و عبدالله‌پور، ۱۳۸۸: ۷۸). مبارزه کردها با داعش و بسط ژئوپلیتیکی: حملات داعش به شمال عراق در سال ۲۰۱۴ فرصتی برای کردها ایجاد کرد تا قلمرو ژئوپلیتیکی خود را گسترش دهند و هویت قومی خود را تقویت کنند. این تحولات، با حمایت ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا، باعث افزایش نفوذ کردها در منطقه و تنش با اعراب شد (عبدالله‌پور و متقی، ۱۳۹۴: ۱۲۱). رقابت‌های قومی در مناطق مورد مناقشه: مناطق مثل کرکوک به دلیل منابع نفتی و جمعیت مختلط محل رقابت‌های شدید بین کردها و اعراب بوده است. کردها این

مناطق را بخشی از قلمرو خود می‌دانند، در حالی که اعراب آن‌ها را جزئی از عراق می‌شمارند (نامی و محمدپور، ۱۳۸۷: ۱۳۴). نقش اعراب شیعه و رقابت‌های منطقه‌ای: اعراب شیعه در تحولات ژئوپلیتیکی عراق نقش برجسته‌ای ایفا کرده‌اند (المسبار، ۲۰۱۹: ۶۱). تأثیرات اقتصادی و منابع طبیعی: کنترل منابع نفتی توسط کردها و صادرات مستقل نفت از طریق ترکیه به تضعیف اقتصاد ملی عراق از سوی اعراب دیده شده است. این اختلافات اقتصادی و رقابت بر سر منابع نفتی به پیچیدگی روابط ژئوپلیتیکی افزوده است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۰؛ حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۷۲). ارتباطات فرامرزی و تأثیر بر وحدت ملی: ارتباطات فرامرزی کردها با کردهای کشورهای همسایه مانند ترکیه، ایران و سوریه به تقویت هویت قومی کردها و تضعیف وحدت ملی عراق منجر شده است. این رقابت‌ها، به ویژه در مناطق مورد مناقشه، موجب تنش‌های قومی و سیاسی بیشتری در داخل عراق شده است (زیباکلام و عبدالله‌پور، ۱۳۸۸: ۸۰). در مجموع، گروه‌های قومی کرد و عرب در عراق با تغییرات ژئوپلیتیکی پس از سقوط رژیم بعث و ظهور داعش، به رقابت‌ها و تنش‌های عمیقی دامن زده‌اند. حمایت‌های متفاوت بازیگران خارجی، تغییرات سرزمینی و اقتصادی، و رقابت‌های قومی به شکاف‌های بیشتر در عراق انجامیده است.

۴-۲- داده‌های میدانی (پرسشنامه‌ای)

با توجه به پارامتریک بودن پرسشنامه حاضر از آزمون T برای سنجش سطح معنی‌داری و وزن هر یک از مولفه‌های ژئوپلیتیک موثر بر مناسبات دو گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق استفاده شده است که نتایج حاصل از آزمون فوق در ابعاد شش گانه به صورت ذیل است:

- محاسبه سطح معنی‌داری و مقدار میانگین مولفه‌های بعد جغرافیایی موثر بر مناسبات گروه قومی

کرد و عرب در کشور عراق

نتایج حاصل از آزمون تی برای مولفه‌های ژئوپلیتیک بعد جغرافیایی موثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب در داخل کشور عراق نشان دهنده آن است که از ۸ مولفه‌ای که برای این بعد در نظر گرفته شده است ۷ مولفه از نظر معنی‌داری مورد تأیید اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته‌اند و

تنها مولفه اثر تغییرات اقلیمی بر پویایی‌های جمعیتی و سرزمینی گروه‌های قومی (نقش بحران‌های محیطی مانند خشکسالی و سیل در تغییرات مکانی گروه‌های قومی) مورد تأیید قرار نگرفته است. از سوی دیگر با توجه به اینکه بنا بوده است مهمترین مولفه‌های ژئوپلیتیک موثر بر مناسبات بین دو گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق مبنای بحث قرار گیرد تنها ۳ مولفه ژئوپلیتیک به عنوان مهمترین مولفه دارای میانگین بالای ۴ می‌باشند که عبارتند از:

- پراکندگی فضایی گروه‌های قومی
- ارتباط و پیوندهای فرامرزی گروه‌های قومی
- موقعیت جغرافیایی گروه‌های قومی نسبت به مراکز قدرت و منابع حیاتی

جدول ذیل نشان دهنده نتایج آزمون تی برای بعد جغرافیایی است:

جدول ۲: نتایج آزمون تی برای مولفه‌های ژئوپلیتیک بعد جغرافیایی موثر بر مناسبات کردها و عرب ها

میانگین	انحراف معیار	مولفه‌های ژئوپلیتیک
۴,۲۵	۰,۰۰	پراکندگی فضایی گروه‌های قومی در داخل کشور (نحوه توزیع جمعیتی و جغرافیایی گروه‌های قومی در سطح کشور)؛
۴,۱۰	۰,۰۰	ارتباط و پیوندهای فرامرزی گروه‌های قومی (وابستگی‌های قومی به گروه‌های مشابه در کشورهای همسایه و تأثیر آن بر سیاست داخلی و خارجی)؛
۴,۴۳	۰,۰۰	موقعیت جغرافیایی گروه‌های قومی نسبت به مراکز قدرت و منابع حیاتی (نزدیکی یا دوری گروه‌های قومی به پایتخت، مراکز اقتصادی و منابع طبیعی مهم)؛
۳,۷۴	۰,۰۰	دسترسی جغرافیایی گروه‌های قومی به مرزهای بین‌المللی و مسیرهای تجاری (امکان ارتباط و تجارت با خارج از کشور و تأثیر آن بر نقش ژئوپلیتیکی گروه‌های قومی)؛
۳,۵۷	۰,۰۰	پیوندهای تاریخی و سرزمینی گروه‌های قومی با مناطق تحت سکونت خود (ادعاهای تاریخی و فرهنگی گروه‌های قومی نسبت به مناطق خاص)؛
۳,۳۸	۰,۰۲	نقش زیرساخت‌های ارتباطی (حمل و نقل، اینترنت، شبکه‌های ارتباطی) در انسجام یا تجزیه قومی (تأثیر توسعه یا نبود زیرساخت‌ها بر یکپارچگی یا جدایی طلبی قومی)؛

۳,۳۵	۰,۰۰	تأثیر مهاجرت و جابه‌جایی‌های جمعیتی بر تعادل قومی (نقش مهاجرت داخلی و بین‌المللی در تغییر ترکیب قومی مناطق مختلف)؛
۲,۶۸	۰,۸۰	اثر تغییرات اقلیمی بر پویایی‌های جمعیتی و سرزمینی گروه‌های قومی (نقش بحران‌های محیطی مانند خشکسالی و سیل در تغییرات مکانی گروه‌های قومی)

منبع: یافته‌های تحقیق

- محاسبه سطح معنی‌داری و مقدار میانگین مولفه‌های بعد اجتماعی-فرهنگی موثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق
- نتایج حاصل از آزمون تی برای مولفه‌های ژئوپلیتیک بعد اجتماعی-فرهنگی موثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب در داخل کشور عراق نشان دهنده آن است که از ۷ مولفه‌ای که برای این بعد در نظر گرفته شده است همه مولفه‌ها از نظر معنی‌داری مورد تأیید اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته‌اند. با توجه به اینکه بنا بوده است مهمترین مولفه‌های ژئوپلیتیک موثر بر مناسبات بین دو گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق مبنای بحث قرار گیرد تنها ۴ مولفه ژئوپلیتیک به عنوان مهمترین مولفه دارای میانگین بالای ۴ می‌باشند که عبارتند از:
- میزان هویت قومی در برابر هویت ملی؛
 - حافظه تاریخی گروه‌های قومی از روابط خود با دولت و سایر اقوام
 - نقش زبان و مذهب در هویت قومی (جایگاه زبان و دین در تقویت یا تضعیف هویت قومی)؛
 - سطح تبعیض یا همزیستی اجتماعی میان گروه‌های قومی (میزان تعامل مثبت یا تبعیض‌های اجتماعی میان گروه‌های قومی)؛

جدول ذیل نشان دهنده نتایج آزمون تی برای بعد اجتماعی-فرهنگی است:

جدول ۳: نتایج آزمون تی برای مولفه‌های ژئوپلیتیک بعد اجتماعی-فرهنگی موثر بر مناسبات کردها و عرب ها

میانگین	انحراف معیار	مولفه‌های ژئوپلیتیک
۴,۴۰	۰,۰۰	میزان هویت قومی در برابر هویت ملی (اولویت و شدت وابستگی گروه‌های قومی به هویت قومی یا ملی)؛

۴,۳۰	۰,۰۰	نقش زبان و مذهب در هویت قومی (جایگاه زبان و دین در تقویت یا تضعیف هویت قومی)؛
۳,۳۷	۰,۰۰	درجه انسجام یا واگرایی فرهنگی میان گروه‌های قومی (وجود ارزش‌ها و باورهای مشترک یا متضاد میان اقوام مختلف)؛
۴,۰۱	۰,۰۰	سطح تبعیض یا همزیستی اجتماعی میان گروه‌های قومی (میزان تعامل مثبت یا تبعیض‌های اجتماعی میان گروه‌های قومی)؛
۴,۶۲	۰,۰۰	حافظه تاریخی گروه‌های قومی از روابط خود با دولت و سایر اقوام (وجود خاطرات جمعی از تعارض یا همکاری با حکومت و سایر گروه‌های قومی)؛
۳,۲۰	۰,۰۰	تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در هویت‌یابی قومی (نقش رسانه‌های ملی و بین‌المللی در تقویت یا تضعیف هویت قومی)
۳,۱۴	۰,۰۰	چندگانگی مذهبی در میان کردها و عربها (شعیان، اهل سنت، ایزدی، اهل حق و ...)

منبع: یافته‌های تحقیق

- محاسبه سطح معنی‌داری و مقدار میانگین مولفه‌های بعد اقتصادی موثر بر مناسبات گروه قومی کرد

و عرب در کشور عراق

نتایج حاصل از آزمون تی برای مولفه‌های ژئوپلیتیک بعد اقتصادی موثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب در داخل کشور عراق نشان دهنده آن است که از ۶ مولفه‌ای که برای این بعد در نظر گرفته شده است همه مولفه از نظر معنی‌داری مورد تأیید اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته‌اند. با توجه به اینکه بنا بوده است مهمترین مولفه‌های ژئوپلیتیک موثر بر مناسبات بین دو گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق مبنای بحث قرار گیرد تنها ۲ مولفه ژئوپلیتیک به عنوان مهمترین مولفه دارای میانگین بالای ۴ می‌باشند که عبارتند از:

- دسترسی به منابع اقتصادی کشور (نفت و زمین)؛
- نقش قاچاق و اقتصاد غیررسمی در پایداری اقتصادی گروه‌های قومی مرزنشین؛

جدول ذیل نشان دهنده نتایج آزمون تی برای بعد اقتصادی است:

جدول ۴: نتایج آزمون تی برای مولفه‌های ژئوپلیتیک بعد اقتصادی موثر بر مناسبات کردها و عرب ها

میانگین	انحراف معیار	مولفه‌های ژئوپلیتیک
۴,۰۵	۰,۰۰	دسترسی گروه‌های قومی به منابع اقتصادی کشور (امکانات اقتصادی مانند زمین، نفت، معادن و زیرساخت‌های تجاری)؛
۳,۰۸	۰,۰۰	میزان مشارکت اقتصادی گروه‌های قومی در بازار ملی (حضور و سهم آن‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور)؛
۳,۱۵	۰,۰۰	تفاوت‌های توسعه‌ای و فقر میان مناطق قومی و مناطق مرکزی کشور (تفاوت در سطح توسعه اقتصادی میان مناطق قومی و غیرقومی)؛
۴,۲۳	۰,۰۰	نقش قاچاق و اقتصاد غیررسمی در پایداری اقتصادی گروه‌های قومی مرزنشین (وابستگی برخی گروه‌های قومی به اقتصاد غیررسمی و تأثیر آن بر روابط داخلی و خارجی)؛
۳,۷۸	۰,۰۰	سرمایه‌گذاری دولت در مناطق قومی و تأثیر آن بر توسعه و همگرایی (نحوه سرمایه‌گذاری در مناطق قومی و نقش آن در کاهش نارضایتی)؛
۳,۸۹	۰,۰۰	مهاجرت اقتصادی و اثر آن بر پویایی قومی در مناطق مختلف کشور (نقش فرصت‌های شغلی در تغییر ترکیب قومی مناطق)

منبع: یافته‌های تحقیق

• محاسبه سطح معنی‌داری و مقدار میانگین مولفه‌های بعد سیاسی موثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق

نتایج حاصل از آزمون تی برای مولفه‌های ژئوپلیتیک بعد سیاسی موثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب در داخل کشور عراق نشان دهنده آن است که از ۶ مولفه‌ای که برای این بعد در نظر گرفته شده است همه مولفه از نظر معنی‌داری مورد تأیید اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته‌اند. با توجه به اینکه بنا بوده است مهمترین مولفه‌های ژئوپلیتیک موثر بر مناسبات بین دو گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق مبنای بحث قرار گیرد تنها ۳ مولفه ژئوپلیتیک به عنوان مهمترین مولفه دارای میانگین بالای ۴ می‌باشند که عبارتند از:

- درجه استقلال یا خودمختاری سیاسی گروه‌های قومی در چارچوب کشور؛
- ساختار توزیع قدرت سیاسی؛

- میزان مشارکت گروه‌های قومی در نظام حکمرانی کشور (سطح حضور و تأثیرگذاری در نهادهای دولتی و تصمیم‌گیری‌های کلان)؛

جدول ذیل نشان دهنده نتایج آزمون تی برای بعد سیاسی است:

جدول ۵: نتایج آزمون تی برای مولفه‌های ژئوپلیتیک بعد سیاسی موثر بر مناسبات کردها و عرب‌ها

میانگین	انحراف معیار	مولفه‌های ژئوپلیتیک
۴,۶۹	۰,۰۰	میزان مشارکت گروه‌های قومی در نظام حکمرانی کشور (سطح حضور و تأثیرگذاری در نهادهای دولتی و تصمیم‌گیری‌های کلان)؛
۴,۷۶	۰,۰۰	ساختار توزیع قدرت سیاسی در میان گروه‌های قومی (تمرکز یا عدم تمرکز قدرت در میان گروه‌های قومی مختلف)؛
۳,۳۹	۰,۰۰	سیاست‌های دولتی در قبال گروه‌های قومی (سیاست‌های هم‌گرایانه، تبعیض‌آمیز، یا سرکوب‌گرانه نسبت به گروه‌های قومی)؛
۳,۲۴	۰,۰۳	نقش گروه‌های قومی در ائتلاف‌های سیاسی داخلی (همکاری یا رقابت گروه‌های قومی در چارچوب احزاب و جریان‌های سیاسی)؛
۳,۳۵	۰,۰۰	میزان پذیرش هویت چندقومیتی در نظام سیاسی کشور (پذیرش یا رد تنوع قومی در گفتمان رسمی و ساختار حکومتی)؛
۴,۴۱	۰,۰۰	درجه استقلال یا خودمختاری سیاسی گروه‌های قومی در چارچوب کشور (وجود یا نبود ساختارهای حکومتی محلی برای اقوام)

منبع: یافته‌های تحقیق

- محاسبه سطح معنی‌داری و مقدار میانگین مولفه‌های بعد امنیتی-نظامی موثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق

نتایج حاصل از آزمون تی برای مولفه‌های ژئوپلیتیک بعد امنیتی-نظامی موثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب در داخل کشور عراق نشان دهنده آن است که از ۶ مولفه‌ای که برای این بعد در نظر گرفته شده است همه مولفه از نظر معنی‌داری مورد تأیید اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته‌اند. با توجه به اینکه بنا بوده است مهمترین مولفه‌های ژئوپلیتیک موثر بر مناسبات بین دو گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق مبنای بحث قرار گیرد تنها ۲ مولفه ژئوپلیتیک به عنوان مهمترین مولفه دارای میانگین بالای ۴ می‌باشند که عبارتند از:

- وجود گروه‌های مسلح قومی (پیشمرگه)؛
- ارتباط گروه‌های قومی با بازیگران خارجی.

جدول ذیل نشان دهنده نتایج آزمون تی برای بعد امنیتی - نظامی است:

جدول ۶: نتایج آزمون تی برای مولفه‌های ژئوپلیتیک بعد امنیتی-نظامی موثر بر مناسبات کردها و عرب ها

میانگین	انحراف معیار	مولفه‌های ژئوپلیتیک
۳,۶۵	۰,۰۰	میزان تهدیدات امنیتی ناشی از نارضایتی‌های قومی (احتمال بروز درگیری‌های قومی و شورش‌های داخلی)؛
۳,۲۶	۰,۰۵	حضور نیروهای نظامی و امنیتی در مناطق قومی (نحوه کنترل دولت بر مناطق قومی از طریق نیروهای امنیتی و نظامی)؛
۴,۵۱	۰,۰۰	ارتباط گروه‌های قومی با بازیگران خارجی (دولت‌ها، گروه‌های مسلح، سازمان‌های بین‌المللی) (نقش و تأثیر حمایت خارجی از برخی گروه‌های قومی)؛
۴,۱۶	۰,۰۰	وجود گروه‌های مسلح قومی و تأثیر آن بر ثبات داخلی (فعالیت نیروهای شبه‌نظامی و تأثیر آن‌ها بر نظم داخلی)؛
۳,۳۴	۰,۰۱	نقش رقابت قومی در شکل‌دهی به سیاست‌های امنیتی کشور (تأثیر تعارضات قومی بر استراتژی‌های دفاعی و امنیتی دولت)؛
۳,۷۲	۰,۰۰	تأثیر کنترل مرزها بر امنیت و پویایی قومی (نقش سیاست‌های مرزی در تعامل یا تقابل گروه‌های قومی)

منبع: یافته‌های تحقیق

- محاسبه سطح معنی‌داری و مقدار میانگین مولفه‌های بعد استراتژیک موثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق

نتایج حاصل از آزمون تی برای مولفه‌های بعد استراتژیک موثر بر مناسبات گروه قومی کرد و عرب در داخل کشور عراق نشان دهنده آن است که از ۶ مولفه‌ای که برای این بعد در نظر گرفته شده است ۵ مولفه از نظر معنی‌داری مورد تأیید اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته است و تنها مولفه یعنی تأثیر نظریه‌های ژئوپلیتیکی کلاسیک (هارتلند، ریملند) بر وضعیت گروه‌های قومی در عراق رد شده است. با توجه به اینکه بنا بوده است مهمترین مولفه‌های ژئوپلیتیک موثر بر مناسبات بین دو

گروه قومی کرد و عرب در کشور عراق مبنای بحث قرار گیرد تنها ۳ مولفه استراتژیک به عنوان مهمترین مولفه دارای میانگین بالای ۴ می باشند که عبارتند از:

- نقش گروه‌های قومی در تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای؛
- ارتباط بین مرزهای قومی و مرزهای سیاسی کشور؛
- تأثیر رقابت قدرت‌های خارجی بر وضعیت گروه‌های قومی.

جدول ذیل نشان دهنده نتایج آزمون تی برای بعد استراتژیک است:

جدول ۷: نتایج آزمون تی برای مولفه‌های ژئوپلیتیک بعد استراتژیک موثر بر مناسبات کردها و عرب ها

میانگین	انحراف معیار	مولفه‌های ژئوپلیتیک
۳,۷۱	۰,۰۰	نقش موقعیت استراتژیک گروه‌های قومی در رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (تأثیر موقعیت جغرافیایی گروه‌های قومی بر مناسبات ژئوپلیتیکی کشور)؛
۳,۰۹	۰,۰۰	میزان تعامل یا تقابل گروه‌های قومی با سیاست‌های ژئوپلیتیکی کشور (هماهنگی یا تضاد منافع قومی با اهداف کلان ژئوپلیتیکی کشور)؛
۴,۳۱	۰,۰۰	تأثیر رقابت قدرت‌های خارجی بر وضعیت گروه‌های قومی (نحوه بهره‌برداری کشورهای خارجی از مسائل قومی برای نفوذ در کشور)؛
۴,۴۲	۰,۰۰	ارتباط بین مرزهای قومی و مرزهای سیاسی کشور (تطابق یا ناهماهنگی مرزهای قومی با مرزهای جغرافیایی کشور)؛
۴,۰۲	۰,۰۰	نقش گروه‌های قومی در تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای (چگونگی تأثیرگذاری اقوام بر تحولات منطقه‌ای، مانند نمونه کردها در خاورمیانه)؛
۲,۳۵	۰,۶۵۹	تأثیر نظریه‌های ژئوپلیتیکی کلاسیک (هارتلند، ریملند) بر وضعیت گروه‌های قومی (چگونگی قرارگیری مناطق قومی در چارچوب استراتژی‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های جهانی)

منبع: یافته‌های تحقیق

۵- نتیجه گیری

مطالعه حاضر با تمرکز بر مناسبات قومی میان کردها و عرب‌ها در عراق، نشان می‌دهد که این روابط نه صرفاً قومی، بلکه پدیده‌ای چندبعدی و ژئوپلیتیکی است که در هم‌تنیدگی میان عوامل جغرافیایی،

اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و استراتژیک معنا می‌یابد. یافته‌های پژوهش، بر اساس داده‌های آماری و تحلیل‌های استنباطی، حاکی از آن است که مناسبات میان این دو گروه قومی تحت تأثیر تعارضات تاریخی، رقابت بر سر منابع قدرت و مداخله بازیگران خارجی، در وضعیت ناپایدار و پرتنش قرار دارد. از جمله نکات کلیدی که در این تحقیق به آن پرداخته شده است، این است که روابط کردها و عرب‌ها در عراق نه تنها تحت تأثیر یک یا چند مؤلفه خاص قرار دارند بلکه این مؤلفه‌ها به‌طور همزمان و به‌طور پیچیده‌ای با یکدیگر در تعامل هستند. به‌عنوان مثال، ابعاد جغرافیایی و امنیتی نه تنها بر ساختار قدرت در عراق تأثیرگذار است، بلکه در بسیاری از مواقع به تقویت یا تضعیف هویت‌های قومی، منازعات و حتی نوسانات امنیتی می‌انجامد. به‌ویژه در مناطق مرزی و شمال عراق، جایی که اقلیم کردستان با کشورهای همسایه همچون ایران و ترکیه در ارتباط است، این بعد جغرافیایی به‌عنوان یک بازیگر فعال در بازتولید تنش‌ها و نابرابری‌ها عمل می‌کند.

در بعد اجتماعی-فرهنگی، تفاوت‌های هویتی و بازنمایی‌های متعارض از تاریخ و فرهنگ میان کردها و عرب‌ها، به‌ویژه در زمینه زبان و مذهب، مانع از ایجاد همگرایی ملی و یکپارچگی سیاسی می‌شود. این نابرابری‌های هویتی موجب تقویت احساس تبعیض و بی‌عدالتی در میان اقلیت‌های قومی شده و به انباشت نارضایتی‌های سیاسی و اجتماعی منجر می‌شود. علاوه بر این، وجود اقتصادی متفاوت در میان گروه‌های قومی، به‌ویژه در اقلیم کردستان و مناطق جنوبی عرب‌نشین، شکاف‌های اقتصادی عمیقی را به وجود آورده است که این شکاف‌ها نه تنها به نابرابری در توسعه اقتصادی منجر شده بلکه زمینه‌ساز تقویت گفتمان‌های تجزیه‌طلبانه و استقلال‌طلبانه شده است.

ابعاد سیاسی و امنیتی نیز نقشی برجسته در تعیین تعاملات قومی دارند. ساختار سیاسی عراق، به‌ویژه با توجه به سطح بالای خودمختاری اقلیم کردستان، فضای مناسبی برای بروز تعارضات سیاسی و اجتماعی فراهم آورده است. این خودمختاری می‌تواند همزمان هم زمینه‌ساز همزیستی نسبی باشد و هم تعارضاتی با دولت مرکزی ایجاد کند. تحلیل‌های امنیتی نیز نشان می‌دهند که قدرت‌های خارجی، به‌ویژه نیروهای مسلح قومی مانند پیشمرگه‌ها، در کنار رقابت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، بر امنیت

داخلی عراق تأثیر می‌گذارند و این خود به عدم قطعیت‌های امنیتی در سطح ملی و فراملی منجر می‌شود.

تحلیل آماری و سطح‌بندی مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که تنها ۱۷ مؤلفه از مجموع ۳۹ مؤلفه، از اهمیت و تأثیرگذاری بالا برخوردارند و می‌توان آنها را به‌عنوان عوامل کلیدی و محوری ژئوپلیتیک قومی در عراق شناسایی کرد. این ۱۷ مؤلفه در شش بعد جغرافیایی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی-نظامی و استراتژیکی طبقه‌بندی شده‌اند که هرکدام به‌طور مشخص به یک بخش از نظم فضایی و قدرت در عراق اشاره دارند. بنابراین، تحلیل این مؤلفه‌ها و تعاملات میان آنها نیازمند رویکردی سیستمی و فرارشته‌ای است که بتواند ابعاد مختلف ژئوپلیتیک، قومی و ساختاری عراق را در یک چارچوب یکپارچه و جامع تحلیل کند.

از منظر راهبردی، این مناسبات تنها در صورت بازتعریف ساختارهای حکمرانی، کاهش شکاف‌های هویتی، تضمین عدالت در توزیع منابع و ارتقای حکمرانی چندقومیتی می‌تواند به سوی ثبات و توسعه حرکت کند. در غیر این صورت، استمرار گسست‌های فضایی، اجتماعی و امنیتی، عراق را در معرض مخاطرات جدی‌تری در سطح ملی و منطقه‌ای قرار خواهد داد. بر این اساس، این مطالعه چارچوبی تحلیلی و کاربردی برای سیاست‌گذاران، پژوهشگران و نهادهای مسئول در جهت مدیریت سازنده مناسبات قومی و تقویت انسجام ملی در عراق ارائه می‌کند. در نهایت، این تحقیق بر ضرورت اتخاذ یک رویکرد جامع و سیستمی تأکید دارد که قادر باشد تنوع مؤلفه‌ها و پیچیدگی‌های ژئوپلیتیک عراق را درک کرده و برای بهبود شرایط داخلی و امنیتی این کشور، راهکارهای مؤثری پیشنهاد دهد. از این‌رو، سیاست‌گذاران و تحلیلگران ژئوپلیتیک باید توجه ویژه‌ای به این ابعاد داشته باشند تا بتوانند استراتژی‌هایی در راستای پایداری و همگرایی داخلی در عراق تدوین کنند.

منابع

- ۱- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹). چشم‌انداز روابط کشورهای عرب با عراق جدید. فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره ۴۷.
- ۲- احمدی، حمید (۱۳۷۹). قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه و واقعیت. چاپ دوم. تهران: نشر نی.

- ۳- احمدیان، قدرت و همکاران (۱۳۹۷). بهار عربی و جایگاه حکومت اقلیم کردستان عراق در خاورمیانه. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل. سال ۷. شماره ۱.
- ۴- احمدی‌پور، زهرا؛ قنبری، قاسم؛ کرمی، قاسم. (۱۳۹۱). سازمان‌دهی سیاسی فضا. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۵- اسلامی، مسعود و شمس‌آبادی، علی (۱۳۹۷). عوامل ناکامی همه‌پرسی جدایی اقلیم کردستان عراق. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال ۱۴. شماره ۳.
- ۶- اصغرزاده، سحر (۱۳۹۳). صنعت نفت عراق و چشم‌انداز پیش‌رو. ماهنامه اکتشاف و تولید نفت و گاز. شماره ۱۱۶.
- ۷- امید، علی (۱۳۸۷). گسترش مفهوم حق تعیین سرنوشت: از استقلال ملل تحت سلطه تا حق دموکراسی به راهمه. فصلنامه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۸. شماره ۲.
- ۸- بدیعی‌ازنده‌ای، مرجان و همکاران (۱۳۹۶). کشمکش‌های سرزمینی در شمال عراق: سرزمین، قومیت و سیاست. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. دوره ۴۹ (۳).
- ۹- بوژمهرانی، حسن و پوراسلامی، مهدی (۱۳۹۳). خودمختاری کردستان عراق و چالش‌های پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران. نشریه علوم فنون مرزی. شماره ۱۴.
- ۱۰- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۹). برآورد استراتژیک عراق (نقد کتاب). فصلنامه مطالعات راهبردی. دوره ۱۰. شماره ۳۸.
- ۱۱- جان‌پرور، محسن (۱۳۹۶). ژئوپلیتیک برای همه. تهران: نشر انتخاب.
- ۱۲- جان‌پرور، محسن (۱۴۰۳). ژئوپلیتیک برای همه. چاپ دوم. تهران: نشر انتخاب.
- ۱۳- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۱۴- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. چاپ پنجم. مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۱۵- حافظ‌نیا، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۲). تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه تحقیقات کاربردی جغرافیایی. شماره ۱.
- ۱۶- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۳). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۷- حق‌پناه، جعفر. (۱۳۸۷). کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۸- دوثرتی، جیمزو گراف، فالترز (۱۳۷۲). نظریه‌ی متعارض در روابط بین‌الملل. ترجمه‌ی علی‌رضا طیب و وحید بزرگی. تهران: انتشارات قومس.
- ۱۹- دهشیری، محمدرضا و شاه‌مرادی، حسین (۱۳۹۹). عوامل تعیین‌کننده در سیستم امنیتی خاورمیانه بر اساس نظریه موازنه همه‌جانبه. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. سال ۱۳. شماره ۴۹.
- ۲۰- ربیعی، حسین (۱۳۸۸). نقش قدرت منطقه‌ای در حل و فصل منازعات سرزمینی: مورد ایران در منطقه خلیج فارس در دهه هفتاد میلادی، رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.

- ۲۱- زیباکلام، صادق و طهماسبی، نودرخلیل (۱۳۹۵). مسائل اقلیم کردستان عراق؛ منابع و موانع استقلال. فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال ۲۳. شماره ۴.
- ۲۲- زیباکلام، صادق؛ عبدالله‌پور، محمدرضا. (۱۳۸۸). بررسی نقش همگرایی کردها و شیعیان عراق در موفقیت سیاست‌گذاری‌های امنیتی ایران. فصلنامه سیاست، ۳۹(۴)، ۷۵-۹۰.
- ۲۳- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (جمعی از مولفان). (۱۳۸۳). نگاهی به عراق و جنگ سلطه. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۲۴- سبجانی، حسن و همکاران (۱۴۰۱). تحلیل مسائل امنیتی بر شکست همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق در سال ۱۳۹۶. پژوهش‌های جهان اسلام. سال ۱۲. شماره ۱.
- ۲۵- سیفی، عبدالمجید و همکاران (۱۳۹۸). نگاهی سازه‌نگارانه به مفهوم امنیت انسانی. فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی. سال نهم. شماره ۳۴.
- ۲۶- صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۲۷- طحان‌منش، حسین، و قدیری، زهرا. (۱۳۹۱). جغرافیای جمعیت. تهران: انتشارات سمت.
- ۲۸- عباس‌تبار، رحمت و محمدحسین‌پور، خسرو (۱۳۹۵). خوانشی ژانوسی از مدرنیته: مورد مطالعه انفال قومی در عراق. فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی. دوره ۸. شماره ۳.
- ۲۹- عبدالله‌پور، محمدرضا و متقی، افشین (۱۳۹۴). دیالکتیک ساختار-کارگزار در ژئوپلیتیک با تأکید بر کارگزاری ژئوپلیتیکی کردستان عراق. فصلنامه مطالعات سیاسی. سال ۸. (۳۰).
- ۳۰- عبدی، عطاالله و شیرزاد، ساکار (۱۳۹۵). نقش فضاهای جغرافیایی در رقابت قدرت‌ها؛ مطالعه موردی: کشور عراق. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال ۱۲. شماره ۳.
- ۳۱- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۵). ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، انتشارات سمت، چاپ پنجم، تهران.
- ۳۲- فرجی‌راد، عبدالرضا و قربانی‌نژاد، ربیاز (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل موقعیت ژئوپلیتیک کردستان عراق. فصلنامه نگرش نو در جغرافیای انسانی. سال ۸ (۴).
- ۳۳- فرهادی، فرشید و هدایتی، محمدرضا (۱۴۰۰). آینده نظم منطقه‌ای خاورمیانه در افق ۲۰۳۰. فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی. سال ۶. شماره ۲۲.
- ۳۴- قاسمی، بهزاد و بختیاری، محمد (۱۳۹۷). کاربست و سنجش نظریه «محرومیت نسبی» در انقلاب اسلامی ایران. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی. سال ۲۴. شماره ۳.
- ۳۵- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۶). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات سمت.
- ۳۶- محمدی، آیت (۱۳۹۰). سیری در تاریخ سیاسی کرد. تهران: نشر پرسمان.
- ۳۷- محمدی، حمیدرضا و خالدی، حسین (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک کردستان عراق. تهران: نشر انتخاب.
- ۳۸- محمدی، سیدعلی. (۱۳۷۹). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا. تهران: انتشارات سمت.

۳۹- مرادی، اسکندر (۱۳۹۷). ژئوپلیتیک کرکوک؛ منازعه یا مصالحه از منظر «حکمرانی خوب» ۲۰۱۷-۲۰۰۳. فصلنامه ژئوپلیتیک. سال ۱۴. شماره ۲.

۴۰- المسبار للدراسات والبحوث. (۲۰۱۹). اسلام در کردستان؛ اهل تسنن، شیعیان و خورشیدپرستان. دبی: مرکز المسبار.

۴۱- معروفی سیاوان، نسرين (۱۳۹۶). اقليم كردستان عراق تجزيه يا بقا در نظام جمهوری عراق. پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی مجید بزرگمهری. دانشگاه بین المللی امام خمینی .

۴۲- نامی، محمدحسن و محمدپور، علی (۱۳۸۹). بررسی هیدروپلیتیکی حوضه‌های غرب کشور (نمونه: زاب، سیروان و الوند). فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای. شماره ۱۴.

۴۳- نساج، حمید (۱۳۸۸). جهانی شدن و هویت اقوام ایرانی با تأکید بر مولفه‌های زبان و ادب و رسوم. فصلنامه تخصصی پژوهش سیاست نظری. دوره جدید. شماره ۵ .

۴۴- نصری، قدیر و رضایی، داود (۱۳۹۸). مهمترین تهدیدات فراروی جمهوری اسلامی ایران در اقليم كردستان عراق. فصلنامه دانش راهبردی. سال ۹. شماره ۳۷.

۴۵- نوروزی‌فرد، سیدرضا، سیدی، سیدصادق، و نظری، عبدالمهدی. (۱۳۹۹). ژئوپلیتیک و بازیگران صحنه بین‌الملل. تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.

۴۶- نیکفر، جاسب و ماهیدشتی، مهدی (۱۳۹۴). واكاي استراتژی نفتی اقليم كردستان عراق، اهداف و رویکردها. پژوهش های راهبردی سیاست. سال ۴ (۱۴).

۴۷- ودیعه، ساسان و همکاران (۱۳۹۶). نظریه نظام جهانی در اندیشه و آرای والرشتاين. فصلنامه پژوهش اجتماعی. سال دهم. شماره ۳۷.

۴۸- وکیلی، شروین (۱۳۹۰). نظریه سیستم‌های پیچیده. تهران: انتشارات شور آفرین.

۴۹- هاگت، پیتز (۱۳۸۲). جغرافیا ترکیبی نو. ترجمه: شاپور گودرزی نژاد. تهران: انتشارات سمت .

۵۰- یلديز، کریم (۱۳۹۱). کردها در عراق: گذشته، حال و آینده. ترجمه سیروس فیضی. تهران: انتشارات توکلی.

51- Amnesty International. (1995). Iraq: Forced Exodus - Human Rights Abuses Against Kurds in Northern Iraq. Retrieved from <https://www.refworld.org/reference/countryrep/amnesty/1995/en/91502>

52- Anderson, L., & Stansfield, G. (2009). Crisis in Kirkuk: The Ethnopolitics of Conflict and Compromise. University of Pennsylvania Press.

53- Barkey, H. J., & Fuller, G. E. (1998). Turkey's Kurdish Question. Rowman & Littlefield.

54- Bar-Tal, D. (2008). Coexistence Education: Concept, Definition, and Application. Teachers College, Columbia University. Retrieved from tc.columbia.edu

55- Bengio, O. (2012). The Kurds of Iraq: Building a State Within a State. Lynne Rienner Publishers.

56- Dodge, T. (2005). Inventing Iraq: The Failure of Nation Building and a History Denied. Columbia University Press.

57- Esteban, J., Mayoral, L., & Ray, D. (2012). Ethnicity and Conflict: Theory and Facts. Science, 336(6083), 858-865. DOI: 10.1126/science.1222240

- 58- Gunter, M. (2011). *The Kurds Ascending: The Evolving Solution to the Kurdish Problem in Iraq and Turkey*. Palgrave Macmillan.
- 59- Hilgers, M., & Mangez, E. (Eds.). (2015). *Bourdieu's Theory of Social Fields: Concepts and Applications*. Routledge.
- 60- Homer-Dixon, T. F. (1994). Environmental Scarcities and Violent Conflict: Evidence from Cases. *International Security*, 19(1), 5–40. <https://doi.org/10.2307/2539147>
- 61- Human Rights Watch. (2020). "Kurdistan Region of Iraq: Protesters Beaten, Journalists Detained." HRW Report.
- 62- International Crisis Group. (2018). *Winning the Post-ISIS Battle for Iraq in Sinjar*. Middle East Report N°183.
- 63- IraqYar. (2025). *Ethnic Map of Iraq*. Retrieved May 29, 2025, from <https://iraqyar.com>
- 64- Kane, S. (2011). *Iraq's Disputed Territories: A View of the Political Horizon and Implications for U.S. Policy*. United States Institute of Peace.
- 65- Kaplan, R. D. (2012). *The Revenge of Geography: What the Map Tells Us About Coming Conflicts and the Battle Against Fate*. Random House.
- 66- Knights, M., & Bauer, K. (2019). "The Political Economy of Iraq's Border Regions." Washington Institute for Near East Policy.
- 67- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*. (Translated by Donald Nicholson-Smith). Oxford: Blackwell.
- 68- Marks, G., & Hooghe, L. (2004). "Contrasting Visions of Multi-Level Governance." *European Integration Online Papers (EIoP)*, 5(1).
- 69- McDowall, D. (2004). *A Modern History of the Kurds*. I.B. Tauris.
- 70- Natali, D. (2010). *The Kurdish Quasi-State: Development and Dependency in Post-Gulf War Iraq*. Syracuse University Press.
- 71- Pukmedia. (2025). ٢٠٢٤. تعدادگیری عمومی جمعیت و مسکن عراق. Pukmedia.com.
- 72- Romano, D. (2006). *The Kurdish Nationalist Movement: Opportunity, Mobilization and Identity*. Cambridge University Press.
- 73- Romano, D. (2014). *The Kurdish Nationalist Movement: Opportunity, Mobilization and Identity*. Cambridge.
- 74- Smith, A. D. (1991). *National Identity*. University of Nevada Press.
- 75- Stansfield, G. (2007). *Iraq: People, History, Politics*. Polity Press.
- 76- Stansfield, G. (2013). The Kurdish quasi-state: Development and dependency in post-Gulf War Iraq. *International Affairs*, 89(2), 259–283.
- 77- Van Bruinessen, M. (1992). *Agha, Shaikh and State: The Social and Political Structures of Kurdistan*. Zed Books.